

---

## انگیزه‌های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه

اندازه‌گیری آثار سیاستهای بخشی و اقتصاد کلان

---

محققان: آنه آکروگر<sup>(۱)</sup>، ماوریس شیف<sup>(۲)</sup>، آلبرتو والدیس<sup>(۳)</sup>

ترجمه: دکتر هوشنگ رفاہیت



به‌طور کلی مجموعه سیاستهای ویژه بخش (مستقیم) و اقتصاد کلان (غیرمستقیم) بر انگیزه‌های کشاورزی در ۱۸ کشور در حال توسعه طی فاصله زمانی سالهای ۱۹۷۵ - ۸۴ بررسی شده است.

آثار مستقیم آن از طریق مشخص کردن تفاوت نسبی بین قیمت تولیدکننده داخلی و قیمت‌های سرمرزی سنجیده و اندازه‌گیری شده است (ارقام برای توزیع به گونه‌ای تعدیل شده است که دربرگیرنده هزینه‌های انبارداری - حمل و نقل و سایر هزینه‌های بازاررسانی باشد). آثار غیرمستقیم شامل دو جزء است: بخش اول شامل قسمتهای تحمل ناپذیر کسری حساب جاری بوده و در اجرای سیاستهای حمایت از صنایع با نرخ واقعی برابری ارز به وجود

آمده است و سپس بر قیمت کالاهای کشاورزی و به طور نسبی بر محصولات غیرتجاری غیرکشاورزی اثر می‌گذارد. بخش دوم دربرگیرنده اثر سیاستهای حمایت از صنایع بر قیمتهای نسبی کالاهای کشاورزی در مقایسه با کالاهای تجاری غیرکشاورزی است. در این بررسیها موارد زیر را به دست آوردیم:

۱ - تقریباً در تمام موارد، آثار مستقیم بامالیتهای دریافتی از کالاهای صادراتی (به طور متوسط منهای ۱۱ درصد) و با سوبسید کالاهای وارداتی (به طور متوسط حدود ۲۰ درصد) برابری می‌کند.

۲ - آثار غیرمستقیم همین طور مالیاتبندی کشاورزی (به طور متوسط منهای ۲۷ درصد) و غلبه آن بر آثار مستقیم (خواه آثار مستقیم منفی باشد یا مثبت) بررسی شده است.

۳ - اعمال سیاستهای مستقیم برای هر دو مورد کالاهای وارداتی یا صادراتی، قیمتهای تولیدکننده داخلی را تثبیت می‌کند.

درارتباط با سیاستهای کشاورزی کشورهای در حال توسعه معمولاً چهار روش متداول و شناخته شده وجود دارد که آثار متقابل بین آنها به طور محسوس مشاهده نمی‌شود.

اول - بیشتر کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند در جهت رشد صنایع مشوقهایی ایجاد کنند. در این روش از طریق اعمال سیاستهای جایگزینی واردات و حمایت از تولیدات داخلی در مقابل رقابت واردات کوششهایی برای تقویت تولیدات داخلی صورت می‌گیرد.

دوم - با صدور دستورالعملهای مربوط به کنترل مبادله ارز، غالباً نرخ برابری ارز را بالاتر از ارزش واقعی آن تثبیت کرده و با استفاده از مکانیزمهای صدور پروانه واردات محدودیتهای بیشتری را قایل می‌شوند. این محدودیتهای از آنچه در ارتباط با واردات - جایگزینی قایل می‌شوند بیشتر است.

سوم - در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کوشش به عمل می‌آید تا قیمتهای تولید محصولات

کشاورزی از طریق اجرای دستورالعملهای صادرشده به وسیله دولت کاهش پیدا کند (بویژه از طریق اطاقهای بازاریابی کشاورزی). مالیات بر صادرات و یا به وسیله تعیین سهمیه‌های صادراتی.

چهارم - بعضی از دولتها سعی می‌کنند بخشی یا تمامی عوامل بازدارنده فعالیت تولیدکنندگان را از طریق پرداخت سوبسید به قیمت نهاده‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری برای تامین آب و آبیاری و سایر کالاهای سرمایه‌ای جبران کنند.

راههای ثابت نگهداری و سرکوب قیمت تولیدکنندگان در مناطق مختلف با دقت مطالعه و بررسی شده است، ولی در آن مناطق تلاش کمتری به منظور برآورد مجموعه آثار چند عامل مربوط به سیاستهای مستقیم و سه عامل از دیگر سیاستهای دولت به عمل آمده است. در حالی که نظریه پردازان بازرگانی بین‌المللی از چندی قبل دریافته‌اند که حمایت از بعضی امور باعث ایجاد تبعیض علیه فعالتهای دیگر خواهد بود که شناخت و آگاهی این امر هنوز برای برآوردهای کاربردی در زمینه گسترش تبعیضات علیه کشاورزی منتقل نشده است.

در همان مطالعات مختصر سعی شده است میزان آثار غیرمستقیم بر قیمت‌های محصولات کشاورزی و محرکهایی که به صورت گسترده و با شیوه‌های متنوع به کار گرفته شده‌اند اندازه‌گیری و مشخص شود. برای مثال، والدس<sup>(۳)</sup>، در سال ۱۹۷۳ در شیلی، شوه<sup>(۵)</sup>، در سال ۱۹۷۹ در ایالات متحده، الیویرا<sup>(۶)</sup>، در سال ۱۹۸۱ در برزیل، گارسیا<sup>(۷)</sup>، در سال ۱۹۸۱ در کلمبیا، کاولو و موندلاک<sup>(۸)</sup> در سال ۱۹۸۲ در آرژانتین، اوی جیه<sup>(۹)</sup> در سال ۱۹۸۶ در نیجریه و باتیستا<sup>(۱۰)</sup> در سال ۱۹۸۷ در فیلیپین این مطالعات را انجام داده‌اند. مقایسه سیستماتیک تجزیه و تحلیل‌های این مطالعات، مبین جلوگیری آثار متفاوت این تبعیضات علیه کشاورزی می‌باشد. در این مقاله با استفاده از نتایج برنامه‌های تحقیقاتی بانک جهانی این گونه برآوردها را برای هجده کشور در حال توسعه مطرح و نتایج آن را در زمینه سیاست - اقتصادی و سیاستهای قیمتگذاری کشاورزی

بررسی می‌کنیم. در اولین قسمت، اطلاعاتی درباره‌ی طرح و چگونگی برآوردهای انجام شده ارائه می‌شود. در دومین بخش پیرامون آثار مستقیم یا غیرمستقیم و مجموعه‌ی مداخلات (دولت) برای ایجاد انگیزه در تولیدات کشاورزی و همچنین کل دخالت‌های دولت در ارتباط با تغییرات قیمت‌ها، اظهار نظر می‌شود. علاوه بر این با تعدادی از تحلیلهای مقدماتی سعی خواهد شد یافته‌های خود را ارائه دهیم و سپس در سومین قسمت، بعضی از نتایج به دست آمده را بازگو می‌کنیم.

### طرح مربوط به سیاست‌های اقتصادی کشاورزی

#### - سیاست‌های قیمت‌گذاری

گرچه بتدریج از مقدار گسترش تبعیض علیه بخش کشاورزی کاسته شده، لیکن صاحب‌نظران مسائل توسعه مدتها است از این واقعیت باخبرند که کشورهای در حال توسعه مستقیماً و همه جا به طور سیستماتیک در قیمت‌گذاری کالاهای کشاورزی دخالت می‌کنند. در جمهوری عربی مصر بعد از آنکه سادات سعی کرد، قیمت بعضی از مواد غذایی کلیدی را افزایش دهد، روزنامه‌ها مردم را به شورش فراخواندند. در زامبیا آشوبها بعد از افزایش قیمت آرد ذرت - که بیشتر به وسیله شهروندان با درآمد متوسط و حتی بالا مصرف می‌شود - اوج گرفت و موجب تقلیل میزان کمبود بودجه و سایر اشتباهات شد. بنابراین کوشش به عمل آمد در سیاست تعیین قیمت مصرف کننده اصلاحاتی نظیر آنچه در مراکش - لهستان و تونس به کار بسته شده بود، انجام گیرد. در حالی که خطوط اصلی سیاستها، مستقیماً متوجه افزایش قیمت مواد غذایی اساسی در شهرها بود، که مشابه همین تصمیمات تقریباً همیشه باعث رکود و توقف قیمت تولیدکننده شده و نهایتاً از تحمیل بار مالی این قبیل سوبسیدها بر بودجه دولت جلوگیری می‌کند.

پروژه مقایسه‌ای مربوط به سیاست اقتصادی قیمت‌گذاری کشاورزی متعهد شده بود که

گزارش جامعی از سیاستهای قیمتگذاری آماده کند تا میزان دخالت موثر در کشاورزی را اندازه‌گیری کند و دلایل این دخالتها و آثار آنرا بر تولید، مصرف، تجارت، بودجه‌بندی، نقل و انتقالات داخلی توزیع و کسب درآمد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. امکان مقایسه این جریان با استفاده از روشهای معمول در تمام کشورهای مورد مطالعه و از طریق گردهماییهای محققان برای مطالعات ویژه فراهم شد. تا بتوان نتایج به دست آمده را در زمان اجرای طرح مقایسه و مشخص کرد.

ما در اینجا بر اهمیت و جامعیت سیاستهای مستقیم و غیرمستقیم قیمتهای کشاورزی تاکید می‌کنیم و در ادامه نتیجه می‌گیریم که این برآوردها چگونه به دست آمده‌اند. در هر کشور برای واردات و صادرات کالاهای اصلی شامل محصولات خوراکی و غیرخوراکی رقابت وجود دارد، این محصولات بر اساس اهمیت و معروفیت آنها برگزیده می‌شود و در کشاورزی سهم نسبتاً بزرگی دارند و در سیاستگذاریها، پذیرفته شده‌اند. در اکثر کشورها این کالاها چهار تا شش قلم بررسی شده است که در مجموع حدود نیم تا سه چهارم کل تولیدات کشاورزی را دربر می‌گیرند. سپس محققان هر کشور برآوردهایی پیرامون قیمت کالاهای تولید داخلی - قیمت مصرف‌کننده و قیمت‌های سرمرزی به دست آوردند، آنها را نسبت به هزینه‌های حمل و نقل و یا به مناطق تولید و مصرف تعدیل و تطبیق دادند، علاوه بر این هزینه‌های مربوط به انبارداری، تفاوت کیفیت و سایر عناصری که در بازاررسانی محصولات سهمی دارند نیز در نظر گرفته شد. برای نمونه، در باره گندم شیلی مسائل مربوط به خدمات گمرکی، حق الزحمه نمایندگان گمرک، هزینه‌های حمل و نقل از بنادر اصلی و مبادی ورود تا سیلوها، هزینه‌های باراندازی و ضایعات در حمل و نقل و میانگین تفاوت کیفیت سالانه (محاسبه میانگین کیفیت) بین گندم تولیدی داخلی و انواع وارداتی و برای ذخایر فصلی در نظر گرفته می‌شود. میانگین قیمت سالانه تولیدکننده تا در سیلو (آسیاب) قیمتی است که کشاورزان در زمان برداشت محصول دریافت می‌کنند. عملیات

صادرات شش ماه تا نه ماه بعد آغاز می‌شود، بدین ترتیب قیمت گندم وارداتی تا در سیلو با احتساب هزینه‌های ذخیره‌سازی متناسب با مدت زمان نگهداری و همین‌طور در سطح مناطق تنظیم شده است. این تعدیل در محاسبات مربوط به هزینه‌های ذخیره‌سازی، تفاوت بین قیمت‌های واردات به سیلو را (البته پس از تطبیق سهم سایر عوامل بازاری سانی) کاهش می‌دهد و به‌طور متوسط قیمت‌های داخلی را از ۲۰ درصد تا حدود ۴ درصد پایین می‌آورد.

تنها در تعداد کمی از کشورها دشواریهای ناشی از تخمین قیمت‌های واقعی و درخور اطمینان به چشم نمی‌خورد و سعی محققان براین بود که روشهای قیمتگذاری کاربردی رایج را توسعه دهند. برای نمونه در غنا بعضی از سالها با استفاده از اهرم قیمت‌های سرمرزی هزینه‌های حمل و نقل را تعدیل می‌کنند که در نتیجه باعث برآوردهای منفی قیمت‌های تولیدکننده در مورد چند کالا می‌شود. در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه دولتها نظارت ویژه و انحصاری بر خریدها و یابرتوزیع برخی یا تمام محصولات کشاورزی را در داخل کشور و دفاتر بازاریابی اعمال می‌کنند و این جریان برآورد سهم (سود) طبیعی عملیات بازاری سانی را مشکل می‌سازد. هزینه‌های مربوط به دفاتر بازاریابی در بعضی از کشورها تا ۵۰ درصد و حتی بیشتر از قیمت‌های سرمرزی کالاهای وارداتی را شامل می‌شود و قیمت‌های تولیدکننده، تنها بیانگر سهم کوچکی از قیمت‌های سرمرزی است. بعضی از دفاتر و ادارات بازاریابی با وجود تحمل زیانهای بولی ناشی از پایین نگهداشتن قیمت‌های تولیدکننده سعی می‌کنند در فروش محصول به مصرف کنندگان قیمت‌ها را در حد قیمت مصرف کننده و حتی پایتتر از آن نگه دارند.

همچنین در خیلی از موارد بسیار مهم است که آن دسته از قیمت‌های رسمی که واقعاً در اکثر موارد نسبت به سایر قیمت‌ها مزیت دارند در محاسبات تعمیم داده شود. سری قیمت‌های فصلی تولیدکننده اغلب در سطوح دولتی و در گذشته به وسیله منابع دور از دسترس عنوان می‌شد همین‌طور قیمت‌های بازار سیاه را برآورد می‌کردند تا با تعیین ضریب اهمیت نسبی و سهم

احتمالی کل محصول، قیمت سراسری دقیق را در مواردی که بازارهای دیگری به موازات آن وجود داشت، قابل ارزیابی و اندازه‌گیری باشد، نتایج حاصل از سری قیمت‌های فصلی مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و هزینه‌های مربوط به خرید نهاده‌ها بیشترین کمک را به اصالت پروژه مورد بحث کرده است.

در تمام کشورهای مورد مطالعه، مجموعه معیارهای به کار گرفته شده نسبت قیمت‌هایی که باید وجود داشته باشد و در آنها مداخلاتی صورت نگرفته است، با قیمت‌های بازار آزاد سنجیده شده است. برای کلیه کالاهای تجاری قیمت‌های پیشنهادی اعلام شده است، بخصوص در مورد آن دسته که قیمت‌های سرمرزی آنها باید تحت یک نظام بدون دخالت (دولت) مزیت داشته باشند، مورد استفاده قرار گرفته است.

علاوه بر این از محققان درخواست شده بود تا مقادیر حمایت‌های مؤثر را برآورد کنند این قبیل حمایت‌ها عمدتاً برای ارقامی که ناکافی هستند برآورد می‌شود، گرچه آن کشور و کالا از میزان حمایت‌های مؤثر بهره‌مند باشد، برآوردهای انجام شده نشان داد که حاصل کار به طور چشمگیری محدودیت بیشتر و قابلیت مقایسه کمتر برای کل کشور روبه‌رو است تا مواردی که میزان حمایت به طور طبیعی و عادی برآورد شده است. به همین دلیل نیز مقادیر حمایت‌های مؤثر در این مقاله گزارش نشده است. در کارهای آینده متعلق به سه نفر (کروگر Kroger، شیف Schiff و والدس Valdes) که در جلد سوم این سلسله نشریات ارائه خواهد شد، از تجزیه و تحلیل‌های مربوط به مقادیر حمایت‌های مؤثر احتراز خواهد شد، گرچه در اولین بازدید مشخص شد که اکثر سوبسیدهای مربوط به نهاده‌ها کمتر سودآور است و ارزش اضافه‌ای که از این طریق به دست می‌آید تفاوت چندانی نسبت به محصولی که در سراسر کشورها کاشته می‌شود (به عمل می‌آید) ندارد. البته مفهوم برداشتن قیمت‌های دخالتی برای تخصیص منابع بین کالاها و بخشها خارج از حوصله این مقاله است ولی در نشریه IFPIR بررسی شده و مورد توجه قرار گرفته است.

برآورد میزان آثار دخالت‌های دولتی که مستقیماً ناظر به نهاده‌ها و ستانده‌های کشاورزی است، در این مبحث به صورت نسبتاً ساده با روشهایی که برای تخمین آثار غیرمستقیم مورد نیاز است، مقایسه شد. نتایج تجزیه و تحلیل‌های ما پیرامون نرخ واقعی برابری ارز و همین طور درباره مالیات بر محصولات کشاورزی به طور ضمنی لزوم حمایت از صنایع را ایجاب می‌کند. منطق اقتصادی این برآوردها در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد؛ البته یک توضیح مختصر از شیوه عمل به کار گرفته شده جهت دستیابی به این برآورد در ضمیمه این مقاله ارائه شده است.

نخست، نویسندگان مقاله نرخ حقیقی برابری ارز را تخمین زده است تا بدین وسیله بتواند حساب جاری را - در مقایسه با حساب جاری معمولی جریان سرمایه - در زمانی نسبتاً طولانی نگهداری کند. در حالی که تمام محدودیتهای کمی و تعرفه‌های حمایتی علیه واردات و همین طور آثار مداخله دولت در صادرات برداشته شده است. البته این برآورد زمینه‌های حمایتی سربه‌سری تعرفه‌های وارداتی را پیچیده می‌کند و برای برآورد کشتش پذیری مقادیر عرضه و تقاضای ارزهای خارجی و مقایسه با نرخ واقعی برابری ارز به منظور تخمین مبلغ واقعی آن برای تعیین نرخ تبدیل ارز به نتیجه‌گیری سطح و میزان سوددهی حساب جاری درازمدت نیاز دارد.

منظور کردن قیمت‌های سرمرزی برای هر محصول با نرخهای تعادلی برابری ارز بیانگر برآوردهایی است که در آن معمولاً قیمت‌های سرمرزی غلبه می‌یابند، خاصه در مواقعی که دخالتی از طرف دولت صورت نگیرد. چنانچه همین عمل برای نهاده‌های خریداری شده صورت گیرد و سهم آن در قیمت‌های محلی (داخلی) محاسبه شود، برآوردهای به دست آمده در مورد هر نوع ارزش افزوده در غیاب همین سیاستها مطرح خواهد شد. نهایتاً سنجش شاخص قیمت کالاهای غیرکشاورزی با نرخ تعادلی ارز و دخالت نکردن دولت در تجارت (به منظور تعدیل شاخص قیمت آن بخش از کالاهای تجاری) برآورد دیگری از حجم و اندازه شاخص



قیمتی که در اثر دخالت نکردن دولت تعیین شده است لازم می‌شود. حال چنانچه این برآوردها مورد استفاده قرار گیرد، می‌توانیم آثار غیرمستقیم اقدامات دخالتی دولت را بر قیمت (و ارزش افزوده) محصولات کشاورزی به دست آوریم (نسبت به شاخص بهای کالاهای غیر کشاورزی). در محاسبات ما جهت تشخیص آثار غیرمستقیم سه عنصر (مطلب) اصلی وجود دارد: اول - کاهش نرخ واقعی برابری ارز به مقداری که بتواند قسمت ناپایدار کسری حساب جاری را حذف کند.

دوم - کاهش نرخ واقعی برابری ارز به منظور برطرف کردن مداخلات دولت در امور تجارت. سوم - افزایش قیمت محصولات تجاری کشاورزی به نسبت (در مقایسه) محصولات تجاری غیر کشاورزی از طریق حذف سیاستهای دخالتی دولت در امور بازرگانی که بیشتر صنایع را مورد حمایت قرار می‌دهد.

دو حالت اول موجب تغییرات قیمت کالاهای تجاری نسبت به کالاهای غیر تجاری و حالت سوم سبب تغییر قیمت بین گروه کالاهای تجاری شده است.

تشخیص نگهداری بیلان حساب جاری الزاماً نظری خواهد بود. مقاله نویسان داخلی در جریانهای معمولی و طبیعی حسابداری از دانش و تجربیات خود در جهت کمکهای اعطایی و سرمایه‌گذارهای خصوصی بهره‌گرفته‌اند تا بدین وسیله برآورد کنند که بیلان یک حساب جاری معمولی باید چگونه باشد و از مابه‌التفاوت بین این رقم و نبودن تعادل واقعی بیلان حساب می‌توانند سهم تحمل‌ناپذیر کسری حساب جاری را برآورد کنند. محاسبات مربوط به آثار غیرمستقیم سیاستها بر انگیزه‌ها نسبت به انتخاب کسش‌پذیری برای ارزشهای عرضه و تقاضا در مقابل برابری ارز و نسبت به انتخاب سطح تحمل‌پذیری از کسری حساب جاری که بعداً باید ظاهر شود، از حساسیت کمتری برخوردار است.

به طور تجربی، حمایت از صنایع، انگیزه‌های وسیعتری را برای آن نوع کشاورزی که با

کسری موازنه پرداختهای حساب جاری روبه‌رو است، ایجاد می‌کند. در بسیاری از موارد، حمایت از بخش صنایع بقدری زیاد است که آخرین آثار آن، کاهش قیمت کالاهای تجاری غیرکشاورزی در مقابل کالاهای کشاورزی است، به طوری که اثر اقدامات غیرمستقیم پیوسته ارجحیت پیدا کرده‌اند. به هر حال حمایت از صنایع به گونه‌ای است که هم در مقابل نرخ واقعی برابری ارز و هم در برابر نسبت قیمت‌های محصولات تجاری بخش صنعت به کشاورزی، یعنی بر هر دو عمل می‌کند، و چنانچه آثار نرخ واقعی برابری ارز برای حمایت به حساب آورده شود، کل آثار منفی حمایت صنایع به کشاورزی هنوز بیشتر خواهد بود. بنابراین هم تحمل سطح کسری حساب جاری و هم کشش پذیری ارزهای خارجی که هر دو فقط از طریق نرخ واقعی برابری ارز سنجیده می‌شوند، در محاسبات مربوط به آثار غیرمستقیم، همان طور که در سایر موارد علت اصلی به شمار می‌روند به مرحله بحرانی خواهد رسید.

علاوه بر این ممکن است تاثیر اقدامات غیر مستقیم بر روی ارزش گزیده شده کشش پذیری کمتر از حد مورد انتظار باشد. همان گونه که در معادله ضمیمه‌های ۷ و ۸ منعکس است، این وضعیت ناشی از این حقیقت است که تغییر متناسب در کشش پذیری عرضه و تقاضا برای ارز خارجی فقط بر روی اولین جزء [معادله] اقدامات غیرمستقیم تاثیر گذاشته و بر روی اجزای دوم و سوم هیچ تاثیری ندارد.

برای آن دسته از کشورهایی که برآوردهای معتبری جهت کشش پذیری عرضه و تقاضا نسبت به ارز خارجی مقدور نبوده است، پیشنهاد کردیم تا نگارندگان (محققان)، ارزش کشش پذیری عرضه را با ضریب یک برابر و تقاضا (ارزش مطلق) را با ضریب دو برابر و بر مبنای کششهای برآوردشده از سایر مطالعات مورد استفاده قرار دهند. برخی از نویسندگان مدارک درخور استنادی برای کاربرد در این بررسیها در اختیار دارند و همچنین دقت برآوردهای خود را در زمینه‌های کشش پذیری تجارت خارجی مورد آزمایش قرار داده‌اند.

اکنون این مطلب بخوبی شناخته شده است که دستیابی به مقادیر کاهش پذیرها به وسیله تحلیلهای مربوط به نرخ برابری ارز که اساساً ناشی از شناخت این موضوع است که هر تغییر در هزینه‌ها نسبت به درآمدها، لزوم تغییر در حساب جاری را ایجاب می‌کند، میسر خواهد بود. نحوه استفاده ما از کاهش پذیری در این مبحث به وسیله دو مطلب مهم توجیه می‌شود:

۱ - فیشهای صورت برداری آزمایشی (نمونه) از تغییرات نرخ واقعی برابری ارز جهت کاوش و دقت کار نسبت به تغییرات قیمت و ارتباط مستقیم با آن به کار گرفته می‌شود.

۲ - گرچه براساس سیاستهای اقتصاد کلان باید به طور وضوح تغییراتی به وجود آید و براین اساس نرخ واقعی برابری ارز تغییر کند، متأسفانه این اقدام ممکن است فقط با انتخاب موارد ویژه در سیاستهای کلان به طور مشخص بر حل مسئله تعادل نرخ واقعی برابری ارز اثر بگذارد. در مورد غنا محاسبات برقراری تعادل در برابری نرخ ارز دچار یک رشته پیچیدگیهای اضافی است. پایین نگهداشتن (ارزش) نرخ واقعی برابری ارز در حد ارزش تعادلی در مقابل نرخهای ارائه شده کاکائو در سطح جهانی، ممکن است میزان تولید کاکائو را در غنا افزایش دهد. از آنجا که محصول کاکائوی غنا قسمت بزرگی از تجارت جهانی کاکائو را تشکیل می‌دهد، بنابراین افزایش بیشتر از مقدار عرضه کنونی، منتج به کاهش قیمت کاکائو در بازارهای جهانی خواهد شد. به همین مناسبت، متعادل ساختن نرخ واقعی برابری ارز در کشور غنا اهمیت دارد. اعمال این روش در جهت برقراری تعادل درباره نرخ واقعی برابری ارز خیلی بهتر نتیجه داده است تا اعمال آن روشهایی که بر مبنای محاسبات استوار بوده ولی در آن مجموعه، نرخ واقعی برابری ارز کشور غنا در ارتباط با قیمتهای جهانی کاکائو نادیده گرفته شده است.

تا اینجا کل آثار مداخلات دولت به طور ساده برای مجموع مبالغ ناشی از آثار مستقیم و غیرمستقیم در نظر گرفته شد (با ذکر چند نمونه که در ضمیمه تشریح شده است). به عنوان مثال، در آرژانتین مالیاتبندی کشاورزی نخست به وسیله گرفتن مالیات بر صادرات مشخص شد (=

یک اثر مستقیم)، که قیمت محصولات کشاورزی را کاهش می دهد و سپس به وسیله حمایت از واردات (= یک اثر غیرمستقیم) که موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی و جانشین شونده است تعیین می شود. نتیجه ای که در اجرای سیاستهای بازرگانی آرژانتین به طور خالص برحسب نرخ واقعی برابری ارز به دست آمد، نسبتاً محدود بود، به دلیل اینکه از یک طرف مالیات بر صادرات باعث پایین آوردن نرخ واقعی برابری ارز و از طرف دیگر حمایت از واردات موجب ترقی نرخ واقعی برابری ارز شده است. به هر حال درجه (میزان) بالابردن ارزش نرخ واقعی برابری ارز در آرژانتین به قدرت پولی و سیاستهای مالی این کشور بستگی دارد که در آن زمانها خیلی بالا بود و از تحمیل بار اضافی به بخش کشاورزی جلوگیری به عمل می آورد. برای نمونه مجموع مبالغ لازم (به طور غیر مستقیم) برای حمایت از صنایع و بالا بردن ارزش نرخ واقعی برابری ارز و یا (به صورت مستقیم) مالیاتبندی بر صادرات که نهایتاً موجب ایجاد انگیزه در کشاورزی آرژانتین شد، امری بسیار اساسی و مهم در دوران این بررسیها به شمار می رود.

#### درجات (میزانهای) مداخله دولتی

جدول شماره یک برآوردهای مربوط به میزان دخالت اسمی که به طور مستقیم و غیرمستقیم به وسیله دولت اعمال شده است و همین طور در مجموع دخالتهای دولت را در امر صادرات محصولات اصلی و معروف برای هجده کشور نشان می دهد. تعدادی از این مداخله های مستقیم، درصدی را برآورد می کند که با وجود برتری قیمت های تولیدکننده داخلی، از قیمت کالاهایی که در بازار پرتحرک تجارت آزاد عرضه می شود، چگونه منحرف می شود و عقب می ماند (البته این در حالی است که نرخ حقیقی برابری ارز و میزان حمایت از صنایع وجود داشته باشد). این مقدار متناسب است با میزان حمایت های اسمی. گرچه سیاستهای دولت، بین هر گروه از کالاهای کشاورزی تفاوت های فاحشی را قایل شده است، لیکن تحلیلهای متکی بر

مطالعات نویسندگان (محققان) هر کشور این اقلام را بین سه تا نه کالا معرفی کرده‌اند. ما یکی از آنها را که فرض می‌شود نسبتاً درستتر و مورد توجه سیاستهای دولت در ارتباط با کالاهای صادراتی کشاورزی است در گزارش جدول شماره یک انتخاب کرده‌ایم. همان طور که مشاهده می‌شود بیشتر کشورها سیاستهای مستقیمی را پذیرفته‌اند که از متعادل ساختن مالیاتها بر صادرات ناشی شده است. به جز کشور غنا (که در آنجا ارزش نرخ برابری ارز در نتیجه کمبود شدید انگیزه‌ها که بر اثر اجرای برخی اقدامات جبران کننده سیاستهای اصلی این کشور را تشکیل می‌داد، بالاتر قرار گرفته بود)، در پرتغال، زامبیا، شیلی و ترکیه نیز طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ این موارد مشاهده شده است.

در مورد دو کشور شیلی و ترکیه حمایتهای اسمی که از انگور و تنباکو به عمل آمد حتی کمتر از ۲ درصد - در حقیقت خیلی پایین بود - و در مورد ترکیه حمایتهای مستقیم طی سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ حتی آثار منفی برجای گذاشت. پایین نگهداشتن و حتی متوقف کردن قیمت‌های تولید در آرژانتین طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ حدود ۲۵ درصد یا حتی بیشتر بود. در کشورهای مصر، کوته دلوآر (ساحل عاج)، مالزی، سری لانکا و تایلند و برای سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ تمام کشورهای مورد مطالعه به جز غنا و پرتغال از محصولات کشاورزی حمایت منفی مستقیم به عمل آمده است.

اندازه گیری آثار غیرمستقیم دربرگیرنده دواثر ناشی از تجارت و سیاستهای اقتصاد کلان بر نرخ واقعی برابری ارز و دامنه حمایت‌های انجام شده از کالاهای غیرکشاورزی است. مجموعه دخالت غیرمستقیم دولت برای ایجاد انگیزه در تولیدکننده حتی قویتر از مداخلات مستقیم آن

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۰

جدول شماره ۱ - میزان حمایت‌های اسمی مستقیم و غیرمستقیم و کل حمایتها برای محصولات صادر شده

طی دو دوره ۱۹۷۵ - ۷۹ و ۱۹۸۰ - ۸۴ ارقام (درصد)

نام کشور	نوع محصول	دوره ۱۹۷۵ - ۷۹			دوره ۱۹۸۰ - ۸۴		
		مستقیم	غیرمستقیم	جمع	مستقیم	غیرمستقیم	جمع
آرژانتین	گندم	-۲۵	-۱۶	-۴۱	-۱۳	-۳۷	۵۰
برزیل	دانه سویا	-۸	-۳۲	-۴۰	-۱۹	-۱۲	۳۳
شیلی	انگور	۱	۲۲	۲۳	۰	-۷	-۷
کلمبیا	قهوه	-۷	-۲۵	-۳۲	-۵	-۳۲	۳۹
ساحل عاج	کاکائو	-۳۱	-۳۳	-۶۴	-۲۱	-۲۶	۲۷
دومینیک	قهوه	-۱۵	-۱۸	-۳۳	-۳۲	-۱۹	۵۱
مصر	پنبه	-۳۶	-۱۸	-۵۴	-۲۲	-۱۲	۳۶
غنا	کاکائو	۲۶	-۶۶	-۴۰	۳۴	۸۹	۵۵
مالزی	شیره لاستیک	-۲۵	-۴	-۲۹	-۱۸	۱۰	۲۸
پاکستان	پنبه	-۱۲	-۴۸	-۶۰	-۷	۳۵	۲۲
فیلیپین	دانه روغن	-۱۱	-۲۷	-۳۸	-۲۶	-۲۸	۵۲
برنگال	گوچه فرنگی	۱۷	-۵	۱۲	۱۷	-۱۳	۴
سريلانكا	شیره لاستیک	-۲۹	-۳۵	-۶۴	-۳۱	-۳۱	۶۲
تابلند	برنج	-۲۸	-۱۵	-۴۳	-۱۵	-۱۹	۳۴
ترکیه	توتون	۲	-۴۰	-۳۸	-۲۸	-۳۵	۶۳
زامبیا	توتون	۱	-۴۲	-۴۱	۷	-۵۷	۵۰
میانگین	-	-۱۱	-۲۵	-۳۶	-۳۶	-۲۹	۲۰

یادآوری کشورهای گره و مراکش در این فهرست منظور نشده‌اند، زیرا تمام محصولات اساسی آنها وارداتی است. در اینجا میزان حمایت‌های اسمی مستقیم به نسبی مشخص شده است که از تفاوت بین کل حمایتها و حمایت‌های اسمی غیرمستقیم و با هم ارز آن به عنوان نسبت (۱) = تفاوت بین قیمت نسبی تولیدکننده و قیمت نسبی سرمرزی و (۲) = قیمت نسبی تعدیل شده سرمرزی که میزان نرخ تعدیل شده برابری ارز را اندازه‌گیری می‌کند، البته در حالی که سیاستهای دیگر بازرگانی خارجی وجود نداشته باشد.

در آرژانتین برزیل، شیلی، کلمبیا، کوه دلوآر (ساحل عاج)، جمهوری دومینکن، غنا پاکستان، فیلیپین، سری لانکا، تایلند، ترکیه، زامبیا طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ و ۱۹۸۰ - ۸۴ و یا در هر دو دوره بوده است. همان گونه که اشاره شد آثار منفی حمایتها در غنا به قدری گسترده بود که از طریق سیاستهای مستقیم کشاورزی اقداماتی برای جبران آن تدارک دیده شد. به طور متوسط اثر اقدامات غیرمستقیم ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان کشاورزی دو برابر ونیم بیشتر از اثر اقدامات مستقیم آن بود.

برای بیشتر کشورها مالیاتهای واقعی از طریق اجرای سیاستهای غیرمستقیم شرایط حمایت غیرمستقیم را سختتر می کند. غالباً نتایج حاصل بی نهایت وسیعتر از کل مقادیر مربوط به حمایتهای منفی است. همان طور که در جدول مشاهده می شود، در بسیاری از موارد گسترده‌گی حمایت منفی از طریق اعمال مالیاتهای عملی، بسیار زیاد است. برای نمونه، این طور که در کوه دلوآر برآورد شده است، تولیدکنندگان کاکائو در سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ تنها  $\frac{1}{4}$  قیمتی را دریافت کرده اند که باید در شرایط متعادل تجارت آزاد به هنگام تبدیل نرخ واقعی برابری ارز و بدون هیچگونه دخالتی دریافت می کردند و در سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ این نسبت به  $\frac{1}{4}$  رسید. تولیدکنندگان لاستیک (شیره کائوچو) در سریلانکا که طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ زندگی فقیرانه‌ای را می گذراندند، در سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ در اثر تحمیل زیان فقیرتر هم شدند. همین طور قیمت‌های تولید در ساحل عاج به سطح نصف و یا کمتر از قیمت‌های دخالت شده هم نمی رسید. این نسبتها (پایین بودن قیمت‌های تولیدکننده) طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ در کشورهای مصر، پاکستان، سری لانکا و در مورد کشورهای آرژانتین، جمهوری دومینکن، غنا، فیلیپین، سری لانکا، ترکیه و زامبیا در سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ نیز مشاهده شده است.

در اصل، متوسط نرخ غیرموزون به آسانی تمامی حمایت‌های اسمی را در مورد ۱۶ کشور بررسی شده در جدول شماره یک می پوشاند، به طوری که در سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ حدود ۳۶

درصد تفاوت منفی و در سال‌های ۱۹۸۰ - ۸۴ برابر ۴۰ درصد تفاوت منفی به چشم می‌خورد. گرچه متوسط میزان تغییرات بکندی افزایش پیدا کرد ولی بیشتر یافته‌های مهم، معیارهایی را که به صورت انواع تبعیضات علیه کشاورزی طی این دو دوره به طور اساسی برقرار مانده است، نشان می‌دهد. با وجود این تغییرات متناسبی برای برخی از کشورها پدید آمده است، ولی نظرات دیگری نیز وجود دارد که براساس آن تغییرات غیرمستقیم نامطلوب در بعضی مواقع به گونه‌ای هماهنگ تبدیل به تغییرات مستقیم مطلوب (در کشورهای دیگر) می‌شود. در این رابطه، تغییرات نرخ برابری ارز در آرژانتین در مقابل تبعیض مستقیمی که علیه تولیدکنندگان گندم صورت گرفت، به طور واقع بینانه‌ای کاهش یافت و آثار نامطلوب تبعیض بدین وسیله خنثی شد. از گذشته دور مشخص شده است که پیوسته تبعیضاتی علیه کشاورزی وجود داشته است، آنچه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میزان گسترش این تبعیضات است. به طور کلی حمایت منفی منطبق با خواست تولیدکنندگان کالاهای صادراتی بخش کشاورزی عاملی معیندار در جهت پایین آوردن درآمدهای صادراتی در بیشتر کشورها بوده است. حتی کشورهایی که در جریان صادرات کالاهای کشاورزی موفقیت به دست آورده‌اند، مانند تایلند و مالزی نیز از این طرح‌های نمونه (الگوهای پیشنهادی) پیروی می‌کنند. در ۱۸ کشوری که در این پروژه مطالعاتی قرار گرفته‌اند، تنها شیلی در سال‌های ۱۹۷۵ - ۷۹ و پرتغال در طول هر دو دوره مورد بررسی به روش‌های خود ادامه داده‌اند و به طور کاملاً مثبت در جهت حمایت از تولیدکنندگان اقدام کرده‌اند. موضوع مهم این است که در طرح‌های نمونه یکی از تبعیضات نظام یافته دیده می‌شود. گرچه کشورهای در حال توسعه مقادیر بیشتری کالاهای کشاورزی صادراتی را در مقایسه با کالاهای وارداتی قابل رقابت عرضه می‌کنند، لیکن در نهایت تعداد چشمگیری کالاهای وارداتی برای این کشورها وجود دارد. جدول شماره ۲ ارقامی را که در خور مقایسه هستند با ارقام مشابه در جدول شماره ۱ به منظور معرفی محصولات غذایی وارداتی قابل رقابت در ۱۶



کشور منعکس می‌سازد (البته دو کشور از این جدول حذف شده‌اند، زیرا در آنها محصولات مهم وارداتی قابل رقابت با تولیدات داخلی وجود نداشت).

جدول شماره ۲ - نرخ حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم و نرخ کل حمایت‌ها از مواد غذایی

درفاصله زمانی ۱۹۷۵ - ۷۹ و ۱۹۸۰ - ۸۴ ارقام (درصد)

نام کشور	نوع محصول	درفاصله زمانی ۱۹۷۵ - ۷۹				درفاصله زمانی ۱۹۸۰ - ۸۴	
		مجموع	حمایت‌های		مجموع	حمایت‌های	
			غیرمستقیم	مستقیم		غیرمستقیم	مستقیم
برزیل	گندم	۳	-۳۲	۲۵	-۷	-۱۴	۲۱
شیلی	گندم	۳۳	۲۲	۱۱	۹	-۷	۲
کلمبیا	گندم	-۲۰	-۲۵	۵	۹	-۳۴	۲۵
ساحل عاج	برنج	-۲۵	-۳۳	۸	۱۶	-۲۶	۱۰
دومینکن	برنج	۲	-۱۸	۲۰	۲۶	-۱۹	۷
مصر	گندم	-۲۷	-۱۸	-۱۹	-۲۱	-۱۴	۳۵
غنا	برنج	۱۳	-۶۶	۷۹	۱۱۸	۸۹	۲۹
کره	برنج	۷۳	-۱۸	۹۱	۸۶	۱۲	۷۲
مالزی	برنج	۳۴	-۴	۳۸	۶۸	-۱۰	۵۸
مراکش	گندم	-۱۹	-۱۲	-۷	۰	۸	۸
پاکستان	گندم	-۶۱	-۴۸	-۱۳	-۲۱	-۳۵	۵۶
فیلیپین	ذرت	-۹	-۲۷	۱۸	۲۶	-۲۸	۲
پرتغال	گندم	۱۰	-۵	۱۵	۲۶	-۱۳	۱۳
سرلانکا	برنج	-۱۷	-۳۵	۱۸	۱۱	۳۱	۲۰
ترکیه	گندم	-۱۲	-۴۰	۲۸	-۳	۳۵	۳۸
زامبیا	ذرت	-۵۵	-۲۲	-۱۳	-۹	۵۷	۶۶
میانگین	-	-۵	-۲۵	۲۰	۲۱	۲۷	۶

یادآوری: کشورهای آرژانتین و تایلند در این فهرست منظور نشده‌اند، زیرا مواد غذایی اصلی تولید شده آنها به خارج از کشورشان صادر می‌شود. ترکیه در سالهای گذشته از جمله کشورهای صادرکننده گندم بود و از جمهوری دومینکن چند سالی است برنج صادر نمی‌شود.

بادقت نظر بیشتر، بعضی از یافته‌های این بررسیها آشکار می‌شود، قبل از هرچیز و برای مقابله با آثار منفی حمایت‌های مستقیم که برای سازگاری محصولات صادراتی در نظر گرفته شده، این کشورها به استثنای موارد محدودی روشهای مثبت حمایت‌های مستقیم را اتخاذ کرده‌اند تا از طریق واردات محصولات قابل رقابت مشکل را جبران کنند. در حقیقت همیشه مقداری تبعیض علیه محصولات کشاورزی صادراتی، در برابر دادن امتیاز نسبت به محصولات وارداتی قابل رقابت با تولیدات داخلی وجود دارد. برنج مالزی که در طول زمان دو دوره مورد بحث، مقدار ۳۸ و ۶۸ درصد حمایت اسمی دریافت می‌کرد، از این جهت با شیره کائوچوی این کشور مقایسه پذیر است که در این دو دوره به آنها معادل ۲۵ درصد و ۱۸ درصد مالیات تعلق گرفته است. سیاست‌های قیمتگذاری مستقیم موجب شد که قیمت‌های برنج طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹ به طور نسبی (در مقایسه با شیره کائوچو) معادل ۸۴ درصد و در طول سالهای ۱۹۸۰ - ۸۴ معادل ۱۰۵ درصد افزایش پیدا کند.

در حال با تشریح آن سیاست‌هایی که به طور غیرمستقیم بر کشاورزی اثر می‌گذارد، بعضی از واکنش‌های واقعی بر واردات محصولات رقابتی، مانند محصولات صادراتی و فهرست حمایت‌های غیر مستقیم در جدول شماره ۲ به این علت با مقادیر مشابه خود در جدول شماره ۱ مطابقت پیدا می‌کند. حال چنانچه آثار هر دو سیاست مستقیم و غیرمستقیم به حساب آورده شود، ملاحظه خواهد شد که سیاست‌های مستقیم قیمتگذاری در بسیاری از موارد معکوس عمل کرده است. در کلمبیا، کوه دلوآر، فیلیپین، سریلانکا و ترکیه در سالهای ۱۹۷۵ - ۷۹، آثار مثبت اقدامات مستقیم از آثار منفی اقدامات غیرمستقیم بیشتر بوده است.

در این زمینه یکی از کشورهای شاخص کره است، کشوری که میزان حمایت مستقیم از کالاهای کشاورزی (که صادراتی نیستند) بسیار بالا و با اقدامات سیاست‌های غیرمستقیم مقایسه شدنی نیست. در این کشور کل حمایت از تولید برنج داخلی کاملاً ثابت مانده و در طول مدت

مورد نظر معادل ۷۳ درصد آن را پوشش داده است. با وجود تولید خیلی زیاد در کره و کل تولید نسبتاً چشمگیر برنج در مالزی، میانگین سطح کل حمایت برای پوشش تمامی کالاهای وارداتی قابل رقابت در این کشور منفی بوده است، اگرچه چندان هم زیاد نبود - حدود ۵ درصد در طول هر دو دوره مورد بحث.

چنانچه ارقام مربوط به حمایت‌های کره و مالزی در این مقایسه حذف شود، میانگین کل حمایت منفی برای محصولات وارداتی قابل رقابت، در این دو دوره به ترتیب به میزان ۱۵ و ۱۸ درصد تغییر جهت منفی می‌یافتند. از نتیجه این ارقام و مطالعاتی که در سایر کشورها صورت گرفته، تعداد زیادی سؤال مطرح می‌شود، که یکی از مهمترین و درعین حال فراگیرترین آن، جستجوی دلایل توجیهی در زمینه چگونگی استمرار سیاستها است. این جریان باعث می‌شود که حتی در مواقعی بر این سؤال تاکید شود که چه زمانی می‌توان نتایج این سیاستها را واقعاً دید (همان طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است) و آیا تولیدکنندگان کشاورزی عموماً از اجرای سیاستهای اقتصاد کلان بیشتر سود می‌برند یا این که خود در جریان سیاستهای قیمتگذاری قرار می‌گیرند، که البته موقعیت و حضور آنها بیشتر به مسایل بعدی - یعنی سیاستهای قیمتگذاری - ارتباط دارد.

با طرح این سئوالها در این مرحله فقط می‌توان یک جواب عمومی ولی ناقص ارائه داد. تقریباً در تمام کشورها، یکی از دلایل محکم توجیه دخالت دولت در امور بازارهای کشاورزی تزلزل کلی بازارهای بین‌المللی در مبادله محصولات کشاورزی عنوان شده است. به منظور آزمایش و اطمینان بیشتر از نتایج اقتصادی، محققان، محاسباتی را برای تعیین میزان انحراف از استانداردهای قیمت‌های واقعی تولیدکننده (البته منهای ضوابط شاخص قیمت کالاهای بخشهای غیرکشاورزی) در مقایسه با قیمت‌های سرمرزی همان محصولات (برحسب نرخ رسمی مبادله ارز) درباره تعداد زیادی از محصولات انجام داده‌اند. اعداد کمتر از ۱ نشانگر نوسانات قیمت‌های

واقعی تولیدکننده داخلی است (چنانچه تنها دخالت‌های مستقیم دولت را به حساب بیاوریم) که در مجموع کمتر از نوسانات قیمت‌های واقعی سرمرزی هستند.

همان طور که ملاحظه می‌شود، فقط دو رقم از کالاهای وارداتی و سه رقم از کالاهای صادراتی وجود دارد که قیمت‌های داخلی آنها از قیمت‌های سرمرزی مشابه، نوسانات بیشتری (حساسیت بیشتری) نشان می‌دهند، و به طور متوسط اعمال سیاست‌های مستقیم قیمت‌گذاری موجب شده است که قیمت‌های تولیدکننده با نوسانات مختلف حدود ۲۷ درصد برای کالاهای صادراتی و حدود ۳۱ درصد برای کالاهای وارداتی کاهش پیدا کند. برای نمونه، استانداردهای تعیین شده برای قیمت‌های تولیدکننده گندم مصر، نسبت به قیمت‌های سرمرزی تنها ۳۰ درصد از آنچه که می‌بایست در عمل تحقق پذیرد، انحراف داشته است. درحالی که در پاکستان این رقم معادل ۱۷ درصد انحراف گزارش شده است. حتی برای محصولات صادراتی مانند برنج تایلند، تولیدکنندگان به طور چشمگیری تجربه کرده‌اند که نوسانات کم در قیمت‌های واقعی از آنچه که باید برای تبدیل نرخ ارز در جهت حمایت از صنایع داخلی پرداخت شود تحمل‌پذیرتر بوده است.

به طور متوسط جهت تثبیت قیمت‌ها همان طور که انحراف از استانداردهای تعیین شده نشان می‌دهد، در مورد کالاهای وارداتی قدری وسیع‌تر از کالاهای صادراتی اندازه‌گیری شده است، به هر حال برای کالاهای صادراتی تعرفه مالیاتی در نظر گرفته می‌شود، درحالی که کالاهای وارداتی مورد حمایت قرار می‌گیرد به طوری که قیمت‌های تولیدکننده پایینتر از قیمت‌های سرمرزی کالاهای صادراتی و بالاتر از قیمت‌های سرمرزی کالاهای وارداتی است. بنابراین چنین استنباط می‌شود که آنچه به وسیله ضریب (نسبت) تغییرات اندازه‌گیری می‌شود، اگر بر میزان انحراف از استانداردها تقسیم پذیر باشد، معنی آن این است که کاهش نوسانات قیمت به طور مشخص و قابل چشمگیری در مورد کالاهای وارداتی بیشتر از کالاهای صادراتی (۴۲ درصد در

مقابل ۱۸ درصد) بوده است. این مسئله نباید ما را متعجب سازد، زیرا کل کالاهای وارداتی درخور توجه را محصولات اساسی وعمده تشکیل می دهند، به طوری که یک فشار دائمی برای تثبیت قیمتها نه تنها از جانب تولیدکنندگان (آن طور که در مورد کالاهای صادراتی وجود داشت). بلکه مانند آن از جانب مصرف کنندگان نیز اعمال می شود، زیرا که پیوسته وابستگی دائمی بین نوسانات قیمت محصولات غذایی و دستمزدهای واقعی برقرار است (که در کل اقتصاد به طور خودکار رعایت می شود).

جدول شماره ۳ - نسبت انحراف از استانداردهای تعیین شده در مقابل قیمت‌های تولیدکننده

و کاهش قیمت‌های سرمرزی طی سالهای ۱۹۶۰ - ۸۴

نام کشور	صادرات		واردات	
	نسبت انحراف	نوع محصول	نسبت انحراف	نوع محصول
آرژانتین	۰/۳۷	گندم	-	-
برزیل	۰/۸۰	دانه سویا	گندم	۰/۲۱
شیلی	۰/۹۴	انگور	گندم	۰/۷۳
کلمبیا	۰/۸۷	قهوه	گندم	۰/۹۳
ساحل عاج	۰/۲۲	کاکائو	برنج	۱/۲۰
دومینکن	۰/۸۴	قهوه	برنج	۰/۶۶
مصر	۰/۲۲	پنبه	گندم	۰/۳۰
کره	-	-	برنج	۱/۵۸
مالزی	۱/۰۲	شیره کائوچو	برنج	۰/۲۷
مراکش	-	-	گندم	۰/۶۳
پاکستان	۰/۶۲	پنبه	گندم	۰/۱۷
فیلیپین	۰/۹۴	روغن کپرا	ذرت	۰/۲۷
پرتغال	۱/۱۳	گوجه فرنگی	گندم	۱/۰۰
سريلانكا	۰/۲۴	شیره کائوچو	برنج	۰/۶۵
ناریند	۰/۲۶	برنج	-	-
ترکیه	۱/۱۶	توتون	گندم	۰/۵۶
زامبیا	۰/۸۳	توتون	ذرت	۰/۷۵
میانگین	۰/۷۳	-	-	۰/۶۹

بادآوری) قیمت‌های سرمرزی براساس نرخ برابری ارز به قیمت‌های رسمی محاسبه و اندازه گیری شده‌اند. ضرایب کاهش از شاخص قیمت‌های محصولات غیرکشاورزی سایر بخشها گرفته شده است.

در صورت نبودن اطمینان و ایجاد بازارهای متلاطم بین‌المللی برای کالاهای کشاورزی، هر یک از دولتها سیاستهای ویژه خود را اختیار می‌کنند تا بامکانیسم قیمتها، و مخاطرات ناشی از این نوسانات را که هم مصرف‌کنندگان و هم کشاورزان با آن مواجه خواهند شد، مهار کنند. طرحهای قیمت را می‌توان از طریق پرداختهای اضافی (یا اخذ مالیاتهای اضافی و تکمیلی) و یا از طریق توزیع بار آن به سایر مؤسسات ذیربط هماهنگ کرد. به هر حال یک چنین مؤسسات و تشکیلاتی یا وجود ندارد و یا اینکه در اکثر کشورهای درحال توسعه به آسانی در دسترس تولیدکنندگان قرار نمی‌گیرند و چنانچه تصمیم براین باشد که چنین مؤسساتی راه اندازی شود، نیاز به زمانی طولانی خواهد داشت (صرف نظر از آموزش تخصصها و تامین اعتبارات لازم). به همین دلیل نیز دولتها الزاماً به اعمال انواع دخالت بر قیمتهای سرمرزی متوسل می‌شوند. در حقیقت اگر قیمت چند قلم از کالاها در بعضی از کشورها تثبیت شده است، این دلیل قطعی نیست و مطالعات انجام شده هم نتوانسته است ثابت کند که ملاحظات دولت در مرحله نخست بهترین اقدام در این زمینه بوده است. این موضوعی است که در کانون مطالعات این مقاله قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## خلاصه و نتیجه‌گیری

با وجود اینکه مباحث فوق تنها با ارائه معیار قیمت‌های دخالتی مورد توجه قرار گرفته، لیکن شناخت وسیعی پیرامون مجموعه اقتصاد و مستقیماً برای سیاست‌گذاران کشاورزی در تعیین قیمت محصولات کشاورزی به وجود آورده است. شاید مهمترین نتیجه‌ای که به طور واضح از یافته‌های ما عاید شده این حقیقت باشد که مجموع دخالت‌های غیرمستقیم اقتصادی معمولاً منسجم‌تر و محکم‌تر از آثار مستقیم آن است، خواه این آثار مستقیم و خواه غیر مستقیم باشند. چنانچه آثار غیرمستقیم سیاست‌های اقتصادی بر قیمت محصولات کشاورزی نادیده گرفته شود، متوسط قیمت محصولات غذایی وارداتی مورد حمایت قرار می‌گیرد (به میزان تقریبی ۲۰ درصد) و در مقابل به گروه محصولات صادراتی مالیات و عوارض تعلق خواهد گرفت (رقمی حدود ۱۱ درصد). به هر حال نتیجه‌ای که از اعمال مجموعه قیمت‌های دخالتی به دست می‌آید این است که به هر دو نوع فعالیت مورد نظر مالیات تعلق گرفته است، به گونه‌ای که برای کالاهای وارداتی با منشأ کشاورزی میزان این مالیات حدود ۷ درصد و برای کالاهای صادراتی به ۳۵ تا ۴۰ درصد می‌رسد.

علاوه بر این گرچه به وسیله اعمال سیاست‌های مستقیم از مواد غذایی وارداتی با (پایین نگهداشتن) نرخ رسمی تبدیل ارز، حمایت به عمل می‌آید ولی میزان حمایت به مراتب کمتر از محصولات غیرکشاورزی تجاری است<sup>(۱)</sup>. میزان حمایت از بخش صنعت اساساً هم در مطالعات گذشته و هم در محاسبات فعلی بیش از ۲۰ درصد محاسبه شده است. بالابردن سهم مالیات و عوارض به کالاهای وارداتی با منشأ کشاورزی، موجب تقویت نرخ پول داخلی کشور شده است که قیمت کالاهای قابل مبادله (تجارت) را به طور نسبی در برابر کالاهای غیر قابل تجارت کاهش می‌دهد. براساس ارقام ارائه شده موجود، دو نکته مهم پیرامون مداخله ویژه در بخش کشاورزی به چشم می‌خورد:

اول، وجود مقررات خاص کاملاً متناقض بازاریابی. در اتخاذ سیاستهای مستقیم برای واردات محصولات غذایی در مقابل محصولات صادراتی، چه به واردات مواد غذایی به طور معمول سوبسید تعلق می‌گیرد، درحالی که برای صادرات این محصولات باید مالیات پرداخت شود.

دوم، برخلاف انتظار و با در نظر گرفتن وضعیت محصولات صادراتی، سیاستهای مستقیمی در جهت حمایت از محصولات غذایی در ۷۰ درصد از کشورهای مورد مطالعه، پیشینی شده است.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا در نحوه معاملات صادرات و واردات این همه اختلاف به وجود می‌آید؟ در مطالعات ویژه‌ای که در بعضی کشورها صورت گرفته دلایل مختلفی ارائه شده است. چنانچه کشوری علاقمند به خودکفایی در تولید محصول اساسی باشد، ملزم به قبول تعرفه‌هایی جهت ارتقاء تولید محصولات داخلی است، حذف این حمایت و حتی به صورت اخذ مالیات از محصولاتی که باید صادر شود، موجب دستیابی و حرکت به سوی خودکفایی می‌شود. گرانی و کمیابی ناشی از ساده‌اندیشی مدیریت و تحت فشارهای مالیاتی بودن در کشورهای در حال توسعه ممکن است توجه دولت را به توسعه بیشتر صادرات به عنوان یک راه حل عملی برای کسب درآمد معطوف کند. مالیات بندی بر صادرات مواد غذایی، مانند گندم و گوشت گاو در آرژانتین و برنج در تایلند نه تنها موجب ایجاد درآمد شده بلکه مشوقی است برای فروش محصول به قیمتهای پایتتر در بازارهای داخلی، کاهش هزینه‌های تولید و حمایت از مصرف کنندگان، در حالی که منظور کردن سوبسیدهای مستقیم برای محصولات وارداتی غذایی نیاز به تامین بار مالی دارد، ولی در یافت عوارض موجب کسب درآمد و همین طور افزایش تولیدات داخلی خواهد شد. این جریان ممکن است به توجیه این مسئله کمک کند که چرا محصولات غذایی وارداتی، باید بیشتر مورد حمایت و مراقبت



قرارگیرند تا اینکه بر آنها مالیات تعلق گیرد.

از آنجا که اعمال سیاستهای مستقیم حمایت از محصولات غذایی باعث پایین نگهداشتن قیمت مواد غذایی و کاهش دستمزدهای پرداختی می شود، به نظر نمی رسد که از طریق کاربرد سیاستهای مستقیم قیمتگذاری این توفیق به دست آید. به علاوه جریان مزبور که بیشتر ناشی از بالا بردن ارزش برابری نرخ ارز است، یکی از سیاستهای غیر مستقیم بررسی شده در مطالعات عمومی و جامع به شمار می آید.

بررسیهای ما بیانگر نتیجه دیگری نیز هست و آن این است که اعمال سیاستهای مستقیم قیمتگذاری محصولات و مواد غذایی، ضمن اینکه به تثبیت بیشتر قیمتها کمک می کند، موجب کاهش نوسانات قیمت محصولات وارداتی در مقایسه با محصولات صادراتی می شود. اهمیت و ارزش نسبی ایجاد چنین ثباتی یکی از مسایل مهم دیگری است که باید در بررسیهای آینده مورد مطالعه قرار گیرد.

به طور کلی این مقاله نتایجی را گزارش می کند که تنها گروه مشخصی از محصولات را برای زمانهای محدودی در کشورهای مورد مطالعه در بر می گیرد. در تحلیلهای بعدی کوشش بیشتری برای توجیه سیاستهای قیمتگذاری و مجموعه مداخلات دولت در امور قیمتهای تولیدکننده و مصرف کننده صورت گرفته است و آثار این مداخلات بر تغییرات قیمتها و خط مشی های اقتصادی سیاست قیمتگذاری محصولات کشاورزی بررسی خواهد شد.

بسیاری از نتایج سیاستهای اقتصادی از تجزیه و تحلیلهای انجام شده به دست می آید و ناظر است بر تنظیم سیاستهای مستقیم کشاورزی که البته در این مبحث پیگیری نخواهد شد. قدرت سیاسی کارگران شهری و صنعتی، تداوم سیاست اطافهای بازاریابی کشاورزی، فشارهای مالی و برقراری سیاستهای قیمتگذاری همه منجر به ایجاد نوعی زندگی با نتایجی کاملاً متفاوت از آنچه به نظر می رسد، شده اند.

علاوه بر این، در نهایت آن بهایی که جهت ایجاد برابری نرخ ارز و اجرای سیاستهای حمایت از بخش صنعت پرداخت شده است، بسیار بیشتر از سیاستهای قیمت در بخش کشاورزی بوده است. چرا گروههای تولید کننده محصولات کشاورزی بیشتر به تثبیت سیاستهای خود برای دستیابی به هدفهای قیمتگذاری کشاورزی اصرار می‌ورزند و به سیاستهای ایجاد برابری نرخ ارز و یا هدفهای مهمتر کمتر اعتنا می‌کنند؟

نظرات مربوط به این یا آن رویدادها در نشریات KSV تشریح و تجربه شده است. در این مرحله بدیهی است یکی از عوامل کمکی برای فراگیری مفاهیم سیاستهای کشاورزی در اقتصاد کلان نقص دارد، زیرا در جایی که کسب منافع غلبه می‌یابد، فشارهای مالی و حسابهای خارجی و سایر عوامل جملگی بر سیاستهای قیمتگذاری محصولات کشاورزی اثر خواهند گذاشت. استفاده از علوم نیز عاملی موثر و یاری دهنده به حساب می‌آید. مثلاً این امکان همیشه وجود دارد که تحلیلهای آینده در داخل کشور و در سطوح مقایسه‌ای با پیشرفت علوم دقیقتر شود و برای توسعه آینده سیاستهای اقتصادی قیمتهای کشاورزی مفیدتر و سودآورتر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### ضمائم

در این قسمت نخست اقدامات و معیارهای مختلف، نحوه دخالت‌های دولت را معرفی می‌کنیم و سپس (از آنجا) موازنه نرخ واقعی برابری ارز را استخراج می‌نمائیم.

#### اقدامات و معیارهای دخالتی

برای توجیه محاسباتی این بخش باید هر یک از علایم و حروف به کار گرفته شده در زیر را تعریف کرد.

$P_i$  = قیمت‌های محلی تولیدکنندگان برای یک محصول کشاورزی قابل تجارت که انامیده می‌شود.

$$P_i = P_i^B E_0 \quad \text{در این فرمول}$$

قیمت‌های سرمرزی  $P_i^B$  مربوط به محصول  $i$  که با نرخ رسمی ارز  $E_0$  سنجیده شده است. (این رقم به گونه‌ای تعدیل شده است که دربرگیرنده هزینه‌های حمل و نقل، انبارداری و سایر هزینه‌های فرعی و همین طور تفاوت کیفیت کالا نیز باشد).

$$P_i^* = P_i^B E^* / E_0$$

قیمت‌های سرمرزی  $P_i^B$  مربوط به محصول  $i$  که با نرخ واقعی برابری ارز  $E^*$  ارزیابی و تعدیل شده است.

(البته این رقم به گونه‌ای تعدیل شده است که دربرگیرنده هزینه‌های حمل و نقل، انبارداری و سایر هزینه‌ها باشد).

$$P_{NA} = a P_{NAT} + (1 - a) P_{NAH}$$

شاخص قیمت کالاهای غیرکشاورزی که سهمی معادل  $a$  از آن مشمول کالاهای تجاری با قیمت‌های  $P_{NAT}$  و بقیه آن  $1 - a$  سهمی است که غیرقابل تجارت بوده و با قیمت  $P_{NAH}$  محاسبه

شده است.

$$P_{NA}^* = a P_{NAT} E^* / (1 - t_{NA}) E_0 + (1 - a) P_{NAH}$$

شاخص قیمت کالاهای غیرکشاورزی، که شاخص قیمت سهم قابل تجاری آن به صورت  $E_0$  تعدیل شده است و درحالت فقدان سیاستهای خارجی  $t_{NA} = 1$ ، به گونه کالاهای غیرکشاورزی تجاری عمل خواهد کرد. بعداً میزان اسمی حمایت مستقیم که متناسب با تفاوت بین نسبت قیمت‌های محلی و قیمت‌های سرمرزی کالاهای غیرکشاورزی تجاری است، به صورت زیر فرمولبندی می‌شود.

$$1) NPR_0 \equiv \frac{P_i/P_{NA}}{P_i/P_{NA}} = P_i/P_i - 1$$

و این فرمول معیاری است جهت سنجش اثر نظارت بر قیمت‌ها، میزان مالیات بر صادرات یا مقدار صادرات و سایر سیاستهایی که بر  $P_i$  اثر می‌گذارد. مقدار اسمی حمایت غیرمستقیم را که ناشی از آثار نرخ برابری ارز  $E_0$  (نرخ رسمی ارز) با تفاوتی است که با نرخ واقعی ارز  $E^*$  دارد، و نیز آثاری را که سیاستهای تجاری بر  $P_{NAT}$  دارد از طریق فرمول زیر اندازه‌گیری می‌کند.

$$2) NPR_{T1} \equiv \frac{P_i/P_{NA}}{P_i^*/P_{NA}^*} - 1 = \frac{P_i/P_{NA}}{(E^*/E_0) P_i^*/P_{NA}^*} - 1 = P_{NA}^* E_0 / P_{NA} E^* - 1$$

دراین رابطه  $NPR_{T1}$  برای کلیه محصولات تجاری مشابه است تا زمانی که  $P_i$  در معادله دوم (آخری) ظاهر نشده، میزان کلی حمایت اسمی برابر است با

$$3) NPR_{T1} = \frac{P_i/P_{NA}}{P_i^*/P_{NA}^*} - 1$$

و این درحالی است که  $NPR_{T1} \neq NPR_D + NPR_{T1}$  باشد، زیرا مخرج کسر  $NPR_D$  با مخرج  $NPR_{T1}$  و  $NPR_{T1}$  تفاوت دارد.

برای اینکه بتوان هر سه معیار به دست آمده را با یکدیگر مقایسه کرد، دراین جا ما یک رابطه دیگر را برای تعیین میزان حمایت مستقیم طرح می‌کنیم.

$$4) npr_{1D} = \frac{P_i/PNA - P^*_i/PNA}{P^*_i/P^*NA}$$

که مقادیر آن در مجموعه  $(P_i/PNA - P^*_i/PNA)$  بهنگام اخذ سیاستهای مستقیم حمایتی وقتی که  $P^*_i/PNA$  به عنوان (بمقدار) درصدی وجود دارد، چون قیمت نسبی در صورت نبودن حمایتها غالب می شود در نتیجه  $E = E^*$  خواهد شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که:

$$npr_{1D} + NPR_{1i} = NPR_{1T}$$

این معیارها (رابطه ها) پایه های اصلی محاسبات حمایتهای رسمی است که در جدولهای شماره ۱ و ۲ منعکس شده است.

محاسبات مربوط به  $NPR_{1T}$  و  $NPR_{1i}$  به گونه ای است که میزان تعدیل نرخهای تبدیل ارز را هم در بر می گیرد. همان طور که ذیلاً نشان داده شده است، این تعدیلات ارزی، وقتی که نرخ واقعی برابری ارز به کارگرفته نمی شود نیز متناسب شده است.

### موازنه نرخ برابری ارز

به منظور توجیه مطلب، یک جریان اقتصادی را با سه نوع کالا در نظر می گیریم، برای نمونه

$$\left. \begin{array}{l} P_X \\ PM \\ P_{11} \end{array} \right\} \text{ بوده که قیمت هر کدام به ترتیب} \left\{ \begin{array}{l} \text{کالای X صادراتی} \\ \text{کالای M وارداتی} \\ \text{کالای H غیر تجاری} \end{array} \right.$$

علاوه بر این فرض می کنیم نرخ پول رایج داخلی و خارجی با قیمت های نسبی  $E$  نرخ رسمی برابری ارز به عنوان نرخ رایج، نسبت قیمت های داخلی را با قیمت های خارجی مشخص و تعیین می کند. همچنین در این رابطه نرخ واقعی برابری ارز را با حرف  $e$  به عنوان نسبت نرخ رسمی برابری ارز و قیمت محصول غیر تجاری را با حرف  $H$  تعریف می کنیم که رابطه زیر به دست خواهد آمد.

$$5) e = E/P_{11}$$

به هنگام مشخص کردن وضعیت  $e$  به قیمت های خارجی  $X$  و  $M$  توجه نمی کنیم، زیرا با ورود یک

کشور کوچک در بازارهای جهانی، این قیمت‌ها که از قبل وجود دارند (قبلاً تعیین شده‌اند) با تغییر سیاست‌های آن کشور تغییر نخواهند یافت.

ولی ما علاقه‌مندیم مقدار  $e$  را تغییر دهیم که ممکن است در اثر حذف دخالت‌های دولتی و تحمل نکردن بخشی از کسری حساب جاری، حاصل شود. البته در مورد کشورهایی که برداشت (حذف) و یا انتقال سیاست‌های دخالتی دولت بر قیمت‌های جهانی اثر می‌گذارد (مانند قهوه غنا) این مقدار تاثیر به حساب آورده شده است.

ما هر دو این موارد را برای تقاضا و عرضه ارزش خارجی به صورت  $Q_S$  و  $Q_D$  در نظر می‌گیریم که عملشان مانند نرخ واقعی برابری ارز است و به ترتیب دارای کشش پذیری  $-E_D$  و  $E_S$  است. چنانچه فرض شود که آن قسمت تحمل ناپذیر کسری در حساب جاری برابر  $\Delta Q_0$  باشد، بنابراین لازم است، نرخ واقعی برابری ارز به وسیله  $\Delta Q_0$  حذف شود و بنابراین به صورت رابطه زیر درخواهد آمد.

$$6) e_1 = \left( \frac{\Delta Q_0}{E_S Q_S + E_D Q_D} + 1 \right) e_0$$

که در این رابطه  $e_0$  نرخ غالب برابری ارز و  $E_S Q_S + E_D Q_D$  معیارهای مربوط به کاهش تقاضای اضافی برای ارز خارجی (کسری) است که قرار است به یک واحدی، معادل نرخ واقعی برابری ارز، افزایش پیدا کند.

حالا فرض می‌شود که تعرفه همترازی حمایت دولتی در مورد کالاهای وارداتی با حرف  $M$  و مالیات بر صادرات کالاهای صادراتی با حرف  $X$  مشخص شده باشد. حذف هر دو معیار به دست آمده برای افزایش  $\Delta Q_1$  بهنگام تقاضای اضافی به ارز خارجی در ۱۸ کشور مورد بررسی، به شرح زیر است:

$$7) \Delta Q_1 = \frac{1M}{1+1M} Q_D E_D - \frac{1M}{1+1} Q_D E_D - \frac{1X}{1-1X} Q_S E_S$$

در این حالت برای توجیه نرخ واقعی برابری ارز فرمول  $0 = 1X = 1M = \Delta Q_0$  به عنوان تعدیل کننده نرخ واقعی برابری ارز  $e^*$  به کار گرفته می‌شود و بنابراین رابطه جدید زیر را خواهیم داشت:

$$8) e^* = \left( \frac{\Delta Q_0 + \Delta Q_1}{E_S Q_S + E_D Q_D} + 1 \right) e_0$$

حل معادله نرخ برابری ارز به گونه‌ای که تشریح شد، نرخ واقعی برابر ارز  $= c^*$  را تعدیل و موزون می‌سازد، علاوه بر آن نرخ رسمی  $E^*$  که در رابطه‌های  $NPR_I$  و  $NPR_T$  معادلات بالا آمده است، به صورت  $c = E/P_{II}$  عمل خواهد کرد.

چنین فرض شده که بخش کالاهای غیرتجاری  $H$  (همیشه) شامل مجموعه کالاهای و خدمات غیرکشاورزی  $NAH = NAH$  باشد. براین اساس  $c = E/P_{NAH}$  خواهد بود. همین طور به فرض اینکه  $t_X$  معیاری برای اندازه‌گیری  $P_i$  جهت کنترل قیمت، مالیات بر صادرات، یا سوبسید و کمک حمایتی به واردات و  $t_X \geq 0$  باشد، در این حالت از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\frac{P_i}{P_{NA}} = \frac{P_i^B E_0 (1 - t_X)}{\alpha P_{NAT}^B + (1 + \alpha) P_{NAH}} = \frac{P_i^B E_0 (1 - t_X)}{\alpha P_{NAT}^B E_0 (1 + t_{NA}) + (1 - \alpha) P_{NAH}}$$

$$= \frac{P_i^B (E_0/P_{NAH}) (1 - t_X)}{\alpha P_{NAT}^B (E_0/P_{NAH}) (1 + t_{NA}) + (1 - \alpha)}$$

یا اینکه به صورت دیگر

$$9) \frac{P_i}{P_{NA}} = \frac{P_i^B e_0 (1 - t_X)}{\alpha P_{NAT}^B (1 + t_{NA}) e_0 + (1 - \alpha)}$$

و از آنجا نتیجه‌گیری می‌شود:

$$10) \frac{P_i}{P_{NA}} = \frac{P_i^B e_0}{\alpha P_{NAT}^B (1 + t_{NA}) e_0 + (1 - \alpha)}$$

و براین اساس رابطه زیر را می‌توان محاسبه کرد:

$$11) \frac{p_i^*}{P_{NA}^*} = \frac{P_i^B c^*}{\alpha P_{NAT}^B c^* + (1 - \alpha)}$$

همان طور که از معادلات ۹، ۱۰ و ۱۱ ملاحظه می‌شود، جهت دستیابی به  $NPR_T$  و  $NPR_I$  کافی است که  $e_0$  شناسایی و  $c^*$  را به دست آوریم و لزومی به گرفتن اطلاعات اضافی درباره  $E^*$  و  $P_{NAH}^*$  ندارد.



پانوشتها

- 1) Anne O. Krueger
- 2) Maurice Schiff
- 3) Alberto Valdes
- 4) Valdes
- 5) Schuh
- 6) Oliveira
- 7) Garcia
- 8) Cavallo and Mundlak
- 9) Oyejide
- 10) Bautista



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۱ - درایران نیز اخیراً مقررات حمایت از صادرات غیرنفتی اعمال می شود که توجه کننده همین مطلب است. (م)